

**باز اندیشی در امنیت اجتماعی (با تمرکز بر آموزه‌های نهج البلاغه)**

سپیده بوذری\* / احسان سلیمی قلعه‌ئی\*\* / مرضیه ملکی\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳

**چکیده:**

امنیت در عین حال که یکی از مهم‌ترین حق‌های بشری است، واجد ضرورت اجتماعی است که در دکترین و مکاتب مختلف فکری از دیرباز مورد توجه بوده است. در نگرش اسلامی به ظرافت هرچه تمام‌تر لوازم بنیادین امنیت اجتماعی و آسیب‌ها و تهدیدات آن مورد لحاظ قرار گرفته است. در این مقاله سعی شده است به روش توصیفی-تحلیلی، با تمرکز بر آموزه‌های نهج البلاغه ضمن شناسایی مفهوم امنیت اجتماعی به مؤلفه‌ها و لوازم و بایسته‌های تحقق امنیت اجتماعی پرداخته شود. مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت اجتماعی عبارتند از «عدالت» و «فرهنگ عمومی» که با تأثیرگذاری بر میزان پذیرش «هویت اجتماعی» توسط شهروندان نقش مهمی در امنیت اجتماعی ایفا می‌کنند. برخی از لوازم و پایه‌های امنیت اجتماعی را می‌توان در آمادگی دائمی و همگانی برای دفاع در جنگ سخت و نرم، جریان مستمر فریضه امر به معروف و نهی از منکر، پرهیز از تفرقه میان مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی و حاکمیت قوانین عادلانه سراغ گرفت.

**کلید واژگان:**

امنیت، سرمایه اجتماعی، سلامت اجتماعی، تهدیدات امنیت اجتماعی، شاخصه‌های امنیت اجتماعی.

\*. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، آذربایجان شرقی، مراغه، ایران. (نویسنده مسئول)

[bozari.s@maragheh.ac.ir](mailto:bozari.s@maragheh.ac.ir)

\*\* . استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، آذربایجان شرقی، مراغه، ایران. [e.salimi@maragheh.ac.ir](mailto:e.salimi@maragheh.ac.ir)

\*\*\* . استادیار، گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران.

[m.maleki@cfu.ac.ir](mailto:m.maleki@cfu.ac.ir)

واژه امنیت در لغت به معنای رهایی از ترس و نگرانی، عدم اطمینان یا رهایی از در معرض مخاطره بودن است و ریشه لاتین آن واژه (secures) است که در لفظ به معنای "بدون دغدغه" است. (کلمنتس و دیگران، ۱۳۸۴: ص ۲۸۶) بنابراین امنیت همواره با مفاهیمی چون خطر، ترس، هجوم، تجاوز و... همراه است. امنیت از لحاظ نظری دارای دو وجه ایجابی و سلبی می‌باشد؛ وجه سلبی آن به شکل وجود ترس، نگرانی، خطر و... است و وجه ایجابی آن وضعیتی را متصور است که در آن امکان دستیابی به اعتماد به نفس، آرامش، اطمینان و ارضای نیازهای فردی و اجتماعی وجود دارد. (افتخاری، ۱۳۷۸: ص ۵۵) به عبارت دیگر در وجه سلبی آن عدم وجود ترس لزوماً توأم با وجود آرامش و اعتماد به نفس نیست؛ لذا نیازهای افراد به شکل مورد انتظار رفع نمی‌گردد؛ اما وجه ایجابی زمانی محقق می‌گردد که عرصه اجتماع از عوامل آزار دهنده و مشوش کننده افکار عاری شده و اطمینان و اعتماد به نفس برای افراد مهیا شده است. (خلیلی، ۱۳۸۳: ص ۱۹) امنیت مطابق با ایده سنتی یک وجه تماماً نظامی و به عبارتی سخت‌افزاری دارد و عبارت از توسل به قوه‌ی قهریه برای حصول آرامش و اطمینان در جامعه و دوری از خطرات است؛ بنابراین زمانی امنیت در جامعه وجود دارد که جامعه قادر به دفاع از خود با توسل به قوای نظامی در برابر هجوم از خارج باشد؛ اما امروزه امنیت از مفهوم سنتی خود فاصله گرفته است و دارای ابعاد جدید و گسترده تری شده است و دیگر با نگاهی صرفاً نظامی به آن نگرسته نمی‌شود بلکه نگاه نرم‌افزاری به امنیت جای نگاه سخت‌افزاری را گرفته است. (جهان‌بین، ۱۳۸۲: ص ۹۵) در واقع گفتمان ایجابی امنیت، شکل مدرن این مفهوم است که شکل کامل‌تری از حیات اجتماعی را در برمی‌گیرد؛ چرا که در این گفتمان دیگر تنها به روش‌های حفظ زندگی پرداخته نمی‌شود بلکه حفظ راه و روش و به عبارتی دیگر طریقه زندگی در اجتماع خاص، هدف است و بدیهی است که در چنین حالتی جامعه خطرات شدید را پشت سر گذاشته است و به دنبال حصول احساس امنیت می‌باشد و همبستگی و یکپارچگی را در نظر دارد. امنیت را اگر در یک تقسیم‌بندی به داخلی و خارجی تقسیم کنیم، امنیت اجتماعی قطعاً یکی از اشکال امنیت داخلی خواهد بود که در کنار امنیت عمومی در این جایگاه قرار می‌گیرد.

به دلیل اینکه حوزه ظهور و امنیت اجتماعی عرصه‌ی اجتماع است بی تردید این شکل از امنیت از تعامل افراد و حکومت به وجود می‌آید؛ اما با توجه به دخالت دولت در عرصه‌های مختلف اجتماعی و از طرف دیگر گستردگی حوزه حضور مقوله امنیت اجتماعی و ارتباط وسیع با دو عنصر دولت و



اجتماع تفکیک بین امنیت دولت و امنیت اجتماعی کاری دشوار گردیده و این امر مستلزم شناخت و تمایز مفاهیم مشابه از یکدیگر است.

در زمینه موضوع مقاله، پژوهش‌هایی در زمینه امنیت و امنیت اجتماعی انجام شده است از جمله؛ خلیلی در مقاله تحول تاریخی گفتمان مفهوم امنیت به موضوع امنیت و مقاله واکاوی و تحلیل امنیت و مؤلفه‌های آن در فقه سیاسی اسلام نوشته زرگر و پازوکیان به بیان مفهوم و مؤلفه‌های امنیت پرداخته اند. جلیوند و هاشمی در مقاله امنیت اجتماعی در آراء امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری به موضوع امنیت اجتماعی در آراء امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری و شایگان در مقاله تهدیدهای امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری به تهدیدهای امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری و مقاله تأملی در شناخت امنیت اجتماعی نوشته کریمایی به مفهوم امنیت اجتماعی و مقاله درآمدی بر امنیت اجتماعی نویدنیا به این مهم پرداخته اند. در مورد دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام مقاله‌ای با عنوان نگاهی به امنیت از منظر امیرمؤمنان علیه السلام نوشته دری نجف آبادی موجود است ولی تاکنون پژوهشی در مورد امنیت اجتماعی با تمرکز بر آموزه‌های نهج البلاغه یافت نشد و این مسأله جنبه نوآوری پژوهش حاضر است.

این پژوهش به طور مشخص، درصدد پاسخ گویی به این سوالات است: اول: مفهوم امنیت اجتماعی چیست؟ دوم: مؤلفه‌های امنیت اجتماعی چیست؟ بنابراین، ابتدا به تبیین مقوله امنیت اجتماعی می‌پردازیم.

#### ۱. جایگاه امنیت در اسلام

واژه امنیت که از ریشه "امن" گرفته شده است، در لغت نامه دهخدا به معنای بی خوفی، آرامش قلبی و آسوده و بی بیم بودن است. (دهخدا، ۱۳۸۵) با این تعریف امنیت یک حالت درونی و معنوی است. اما با یک نگاه اجمالی به مقوله‌ی امنیت می‌توان دریافت که امنیت یک معنای سلبی دارد (نبود ترس و اجبار و تهدید) و یک معنای ایجابی که وجود رضایت و اطمینان خاطر است. (افتخاری، ۱۳۷۸: ص ۲۶-۲۷) امنیت در اصطلاح حقوقی و سیاسی به صورت "امنیت اجتماعی" مطرح می‌گردد. بنابراین امنیت عبارت است از آسودگی مردم از تهدیدهایی که می‌تواند منشأ آن دولت یا فرد یا گروه‌های دیگر باشد. در اسلام نیز به مقوله امنیت اجتماعی که امری فطری و



طبیعی در نهاد بشر است، پرداخته شده است و اساساً تمام نیازهای بشری زمانی امکان برآورده شدن می‌یابد که افراد بشر در آرامش راهکاری برای حل مشکلات و رفع نیازهای خود بیابند و لازمه هر پیشرفتی وجود ابتدایی امنیت است. در قرآن کریم در باب امنیت اشاراتی شده است که بدان می‌پردازیم. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده است که به یقین خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد همانگونه که به پیشینیان آنان خلافت بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده برایشان پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند». (قرآن کریم ۲۴: ۵۵)

بنابراین یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و به خلافت رساندن افراد صالح و امامت ایجاد امنیت بوده است. قرآن کریم در جای دیگری به امنیت و آرامش روانی و به نوعی احساس امنیت اشاره می‌کند و می‌فرماید: «او (خداوند) کسی است که آرامش را در دل های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیافزاید». (قرآن کریم ۴۸: ۴) این نعمت بزرگ که بهره‌مندی بشر از سایر نعمت‌ها منوط به وجود این نعمت است قطعاً به‌سان دیگر نعمت‌ها در قیامت درباره آن سؤال خواهد شد که آیا از این نعمت به درستی بهره برده‌اند و در حفظ و بقای آن کوشیده‌اند یا خیر و شاید به دلیل همین امانتداری و قدرشناسی صالحان و کسانی که به فرامین الهی احترام می‌گذارند است که خداوند در سوره انعام می‌فرماید که «امنیت از آن کسانی است که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی (چون شرک) نیامیختند، ایمنی [از عذاب] برای آنان است، و آنان راه یافتگانند.» (قرآن کریم ۶: ۸۲) و در سوره مبارکه نحل به توطئه گران هشدار می‌دهد که با برهم زدن نظم و ایمنی خود نیز از این نعمت الهی محروم می‌شوند (قرآن کریم ۱۶: ۴) و به همین دلیل است که خداوند متعال وظیفه افراد بشر در قبال ناامنی و ترس را قیام برای برقراری امنیت و نابودی فتنه اعلام می‌دارد. (قرآن کریم ۲: ۱۹۹) چرا که دستاورد چنین قیامی رسیدن به نعمتی بی‌بدیل چون امنیت و آرامش است و وجود چنین امنیت و آرامشی در هر شهر و دیاری آن را برای سایرین الگو می‌کند تا ارزش این نعمت گرانبگر را دریابند، چنان که خداوند آن را برای دیگران مثل می‌زند: « وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً ». (قرآن کریم ۱۱۲: ۱۶)

امنیت یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امام علی علیه السلام نیز بوده است و ایشان در این راستا اقدامات امنیتی، نظامی و سیاسی مهمی انجام داده‌اند. یکی از اهداف والای امام علی علیه السلام و آرمان‌های آن حضرت، برقراری و گسترش امنیت در سرزمین‌های اسلامی بوده است و رشد و تعالی مردم را در سایه آن قابل تحقق می‌دانستند و اقدامات آن حضرت براساس نیاز روز و میزان اهمیت و با توجه به اوضاع و شرایط متفاوت بود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به طور مکرر در فرمایش‌ها و مکتوبات خود خطاب به فرمانداران به استقرار امنیت فردی و اجتماعی و حفظ آن تأکید و توصیه می‌فرمودند و آنان را از اقدامی که سلب امنیت نماید نهی می‌نمودند. (واقی، ۱۳۸۰: ص ۱۳) ایشان می‌فرمایند: به خدا سوگند اگر فردی از کارگزارانت جایی که خورشید غروب می‌کند، ظلم و ستم کند، گناهانش بین او و تو مشترک است. نظارت و کنترل دقیق و جدی بر تمام امور حکومت و حاکمان در تأمین امنیت، نقش اساسی داشته و می‌تواند از حداکثر ظرفیت دولت و حکومت در برقراری امنیت نهایت استفاده صورت گیرد. (جوهری، ۱۳۸۰: ص ۸۰) ایشان عدم وجود نظم اجتماعی و قانونمداری و به دنبال آن، عدم برقراری امنیت را از اسارت انسان در چنگال حیوانی درنده بدتر می‌داند و می‌فرمایند: «امام عادل خیر من مطر و ابل و سبُع حطوم اَكُولُ خیر من و الِ غشوم ظلوم، و و الِ غشوم ظلوم خیر من فتنه تدوم»؛ پیشوای دادگر از باران پیوسته (که همه چیز را بارور می‌کند) بهتر است و جانور درنده، از فرمانروای ستمکار بهتر است و فرمانروای بیدادگر از هرج و مرج و فتنه‌ای که ادامه یابد نیکوتر است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ص ۶۰) ایشان در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه می‌فرمایند: «خدایا تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت، حکومت، دنیا و شهوت نبود بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دینت را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد». ایشان در این خطبه ضمن بیان آرمان‌ها و اهداف عالی برپایی حکومت اسلامی، یکی از اساسی‌ترین آن اهداف را ایجاد امنیت به ویژه برای مظلومین جامعه دانسته است. در واقع ایشان یکی از اهداف حکومت خود را برقراری امنیت در جامعه مشوش آن روز بیان می‌دارد. آن حضرت در جای دیگری، دفاع از مظلومان را برای رسیدن به حقشان از جمله وظایف حکومت می‌داند و ناکثان را به همین سبب، مورد نکوهش قرار می‌دهند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲)



ایشان در نامه‌ای به عبدالله بن عباس، در بیان شیوه‌های برخورد صحیح با مردم می‌فرمایند: «با مردم آن به نیکی رفتار کن و گره وحشت را از دل‌های آنان بگشای.» (نهج البلاغه، نامه ۱۸) ایشان در خطبه ۱۰۶ می‌فرمایند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ فَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ وَأَعَزَّ أَرْكَانَهُ عَلَيَّ مَنْ غَابَهُ، فَجَعَلَهُ أَمْنًا لِمَنْ عَاقَبَهُ»؛ سپاس خدایی را که راه اسلام را گشود و راه‌های فراگرفتن و عمل کردن به احکام و دستورهای آن را برای آنان که خواهانند، آسان گردانید، ارکانش را در برابر آنان که به ستیزه برمی‌خیزند استوار نمود و آن را برای کسانی که دست به دامنش زدند پناهگاه امنی (مایه امنیت) قرار داد.

همانطور که قرآن امن‌ترین شهرها را الگویی برای دیگر جوامع می‌داند، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز می‌فرماید: «بدترین شهرها، شهری است که در آن امنیت نباشد.» (محقق خوانساری، ۱۳۸۵: ج ۴: ص ۱۰۰) یا در جایی دیگر می‌فرماید: «بدترین وطن‌ها آن است که مردم در آن امنیت نداشته باشند.» (محقق خوانساری، ۱۳۸۵: ج ۴: ص ۱۷۱) یا در جایی دیگر می‌فرماید: «هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست.» (محقق خوانساری، ۱۳۸۵: ج ۶: ص ۴۳۵) البته امنیت در اسلام ابعاد گوناگونی را شامل می‌شود و امنیت در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، قضایی و... مطرح است.

بدیهی است علت اصلی گرایش انسان به اجتماع آن است که وی با حضور در جمع هم‌نوعان خود اقدام به رفع نیازهای اساسی خود که شخصا قادر به رفع آن نیست نماید؛ اما لازمه چنین وضعیتی در اجتماع در وهله اول وجود امنیت و آرامش برای ایجاد شرایط یک زندگی جمعی مسالمت‌آمیز است در غیر این صورت زندگی جمعی در معنای واقعی آن امکان‌پذیر نخواهد شد و اجتماع تنها به شکل یک گردهمایی گروهی از افراد بشر و به دور از صلح و آرامش خواهد بود که این حالت قطعاً پاسخگوی طبع مدنی انسان نخواهد بود.

پس امنیت اجتماعی در یک کلام ساده به معنای گردهمایی افراد بشر در چارچوب قواعد و حکومتی که برای آنان امنیت را به ارمغان می‌آورد است و همگان از حضور در این اجتماع احساس رضایت و خشنودی می‌کنند. همان طور که بیان شد، امنیت اجتماعی در کلام حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز به عنوان یکی از اصلی‌ترین دلایل برای تشکیل حکومت ذکر شده است. ایشان در پاسخ به شعار "لا حکم الا لله" خوارج می‌فرماید: "سخن حقی است که که از آن اراده باطل می‌کنند." آری این سخن حق است که هیچ حکمی جز برای خدا نیست؛ اما اینان می‌گویند که زمامداری جز برای خدا

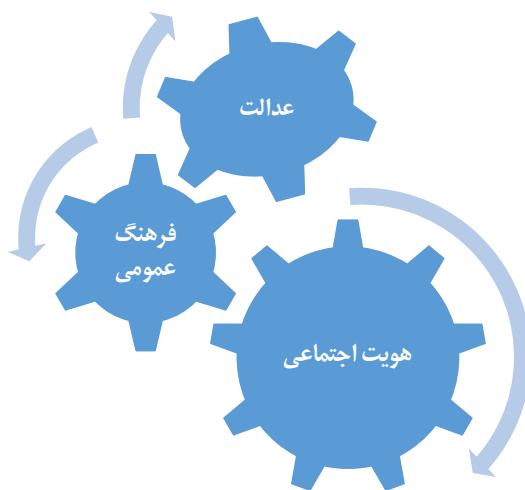
نیست. حال آنکه مردم همواره به زمامدار نیازمندند خواه درستکار باشد خواه بدکار تا مؤمنان در سایه زمامداریش به کار خویش مشغول و کافران هم بهره‌مند شوند و مردم در دوران حکومت او به زندگی بپردازند و به وسیله او اموال بیت المال جمع آوری شود و به کمک او با دشمنان مبارزه شود. جاده‌ها امن گردد، حق ضعیفان از نیرومندان گرفته شود. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) واقعیت آن است که امام علی علیه السلام در تمام امور نسبت به این اصل اساسی وفادار ماند و این اصل در تمام دوره زندگی و به خصوص حکومتشان ظهور و بروز داشت؛ (مکارم شیرازی، ج ۲: ص ۳۹۲) بنابراین همواره از منظر گفت‌وگو علوی و نصایح او به مردم و کارگزارانش می‌توان مواردی را یافت که به عنوان اساس و لوازم بنیادی امنیت اجتماعی معرفی می‌شوند؛ بنابراین امنیت اجتماعی از اساسی‌ترین و حساس‌ترین حوزه‌های امنیتی است و ضرورت آن برای هر فرد و جامعه‌ای شناخته شده و غیر قابل انکار است. در فرهنگ اسلامی بحث امنیت اجتماعی و ابعاد گوناگون و کارساز آن مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. امنیت اجتماعی را باید در سایه تقوا و عدالت و رعایت حرمت و حقوق انسان‌ها و دفاع از مظلومان و محرومان و برخورد با فاسدان و مجرمان و بزهکاران و رفع فقر و رفاه و تأمین معیشت مردم و حفظ آزادی‌های مشروع و حاکمیت عدل و حق و قانون و معیارهای انسانی و الهی جستجو کرد. (دری نجف آبادی، ۱۳۷۹: ص ۲) همان طور که بیان شد در معارف اسلامی و از نظر امیرمؤمنان علیه السلام نسبت به موضوع یاد شده، مقرراتی حیات بخش بیان شده است. هم چنین در وصیتنامه پراج حضرت امیر علیه السلام نیز بیان شده است: «أَوْصِيكُمْ بِرَأْيِي وَرَأْيِ أَهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ، وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ، وَصَلَاحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ؛ (نهج البلاغه، نامه ۴۷) همه فرزندان خود و کسانی که این دستور را خواهند شنید، به تقوای الهی و نظم در کارها و صلاح در میان خود توصیه می‌کنم.» اسلام به صورت مبنایی با عوامل ناامنی و تجاوز و فساد به مبارزه برخاسته است و اجازه نمی‌دهد در جامعه عوامل ناامنی و جنایت رشد کند و یا زمینه‌های تجاوز توسعه یابد. هر کسی در این باره مسئول است و همه باید حریم دین و جامعه را حفظ کنند و رعایت حدود الهی بر همگان فرض است. (دری نجف آبادی، ۱۳۷۹: ص ۹)

## ۲. مؤلفه‌های امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی مقوله‌ای چندساحتی و پیچیده است که تأمین کامل آن منوط به در نظر داشتن طیفی از موضوعات است. امروزه نگرش عمودی به امنیت اجتماعی که دولت را مسئول

تأمین امنیت می‌داند و امر و نهی به شهروندان در قالب قوانین اساسی و کیفی را سازوکار تأمین امنیت در نظر می‌گیرد نمی‌تواند کامل و کارآمد باشد؛ اما اگر امنیت را از درون جامعه دنبال کنیم، در مسیر ثبات و امنیت پایدار گام برداشته‌ایم در حقیقت در این نگاه یکپارچگی اعضای جامعه مهم‌ترین ابزار تحقق امنیت خواهد بود. (نوبدینیا، ۱۳۸۲: ص ۱۸) در اندیشه رهبری نیز صرف تکیه بر بعد نظامی در امنیت به تنهایی کفایت نمی‌کند و ایشان به طور خاص بر امنیت اجتماعی تأکید دارند؛ چرا که امنیت شهروندان به ویژه در حوزه اجتماعی برای ایشان از اهمیت بسزایی برخوردار است. (ساوه درودی و دیگران، ۱۴۰۱: ص ۳۷) امروز دشمنان، امنیت اجتماعی و مدنی ما را هدف قرار داده‌اند؛ این چیزی است که به‌طور واضح و جلو چشم، همه می‌بینند و مشاهده می‌کنند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۲/۰۴/۰۷) با این مبنا باید به تحکیم مؤلفه‌های اجتماعی امنیت یعنی عدالت، فرهنگ و هویت ملی پرداخت. مؤلفه‌هایی که در ترکیب و تعامل با یکدیگر امنیت پایدار کشور را رقم می‌زنند.

نمودار ۱: مؤلفه‌های امنیت اجتماعی



۲-۱. عدالت

امنیت اجتماعی از زمینه‌های اصلی اجرای عدالت و مناسب‌ترین بستر پیدایش تعادل در جامعه است. رابطه عدالت و امنیت اجتماعی، رابطه‌ای متقابل است؛ یعنی امنیت اجتماعی زمینه عدل‌گرایی و توازن‌بخشی است و عدل‌گرایی و توازن‌بخشی زمینه امنیت اجتماعی. (حکیمی،



۱۳۸۰: ص ۱۱۰) عدالت نزد حضرت علی علیه السلام محور اصلی سیاست و ارزش جامعه است که بر چهار رکن معرفت، دانش، عمل و استواری قرار دارد. عدالت با این روایت چونان سپری است که صاحبان حکومت را از تعرض دیگران مصون می‌دارد و هیچ عامل اطمینان بخشی را نمی‌توان یافت که همچون عدالت‌ورزی بتواند در ایجاد امنیت برای همگان کارساز باشد. (علیخانی، ۱۳۸۱: ص ۱۰-۶) امام خمینی رحمته الله علیه سرچشمه عدالت را نه ساخته دست انسان بلکه تعبیه شده در وجود انسان توسط خداوند متعال معرفی می‌نماید؛ زیرا از نگاه امام، عدالت صفت پروردگار و سنت عالم است و امری نیست که در طول زمان دچار کهنگی شود، بلکه یک ارزش مطلق در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی است. همچنین یک امر فطری است، به این معنا که انسان به لحاظ فطری در جستجوی عدالت و درصدد دستیابی به آن برمی‌آید. (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۶: ص ۱۱۳)

در جهان هستی هدف اصلی از بعثت انبیا دعوت به توحید و یکتاپرستی است؛ ولی از آن جا که برپایی قسط و عدالت در جوامع بشری، گذشته از ارزش ذاتی و والایی که دارد، مقدمه متصل برای عبودیت و بهترین زمینه دستیابی به آن است. (معارف و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۲۹۲) این امر در قرآن کریم به عنوان یکی دیگر از اهداف بعثت انبیا برشمرده شده و در آیات بسیاری مورد اشاره قرار گرفته است؛ از جمله در آیه ۲۵ سوره حدید خداوند متعال می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ همانا فرستادگان خود را با نشانه‌های روشن و آشکار فرستادیم و کتاب و میزان را با ایشان نازل کردیم تا مردم به اقامه قسط اقدام کنند. در واقع می‌توان گفت، اهمیت عدالت در اسلام از آن جا سرچشمه می‌گیرد که بنابر آموزه‌های اسلامی، خداوند عادل است و همه افعال الهی عین دادگری و عدالت اند و ستم و افراط و تفریط بدان‌ها راه ندارد. قرآن کریم، برای بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی از دو هدف یاد می‌کند: برقرارساختن عدالت میان انسان‌ها و تأمین سعادت دنیوی و اخروی آنان و دیگری، هدایت انسان‌ها از تاریکی‌های شرک و کفر به سوی نور توحید و بندگی خدا. انسان موظف است بر پایه تعالیم دینی، فعالیت‌های فردی و اجتماعی خویش را با عدالت همراه سازد و از این گذر به سعادت دست یابد.

متون دینی و به ویژه سخنان امام علی علیه السلام نیز معنا و تصویر روشنی از عدالت ارائه داده است. حضرت علی علیه السلام همواره می‌فرمودند: «من کسی نیستم که از عدالت یک سر مو منحرف شوم. حتی



اصحاب ایشان می‌گفتند: «آقا! یک مقدار انعطاف داشته باشید.» ولی ایشان در اجرای عدالت انعطاف ناپذیر بودند (مطهری، ۱۳۹۲ الف: ص ۲۶) و می‌فرمودند: «أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فِيمَنْ وُلِّيَتْ عَلَيْهِ؟ وَاللَّهِ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرٌ؛ از من تقاضا می‌کنید که پیروزی و موفقیت در سیاست را به قیمت ستمگری و پایمال کردن حق مردم ضعیف به دست آورم؟! ... به خدا قسم تا شبی و روزی در دنیا هست، تا ستاره‌ای در آسمان در حرکت است، چنین چیزی عملی نیست. (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶) ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا، وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا؛ وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ، وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ؛ عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد؛ در حالی که بخشش، آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش، گروه خاصی را شامل می‌شود. (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) می‌توان گفت در قاموس زندگی علی عليه السلام کلمه‌ای زیباتر و مقدس‌تر از عدل و عدالت نیست؛ چنان که ایشان فرمودند: «الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ» عدالت، قانونی همگانی و عمومی است. (نهج البلاغه) بنابراین باید عدالت را برقرار کرد تا همه امور در جای خود استوار شوند که الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا. (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) از دیدگاه ایشان، وجه تمایز اصلی حکومت اسلامی با دیگر حکومت‌ها عدالت و دوری از ستم است. به همین دلیل حضرت علی عليه السلام تمام توان خویش را برای مبارزه با بی‌عدالتی به کار برد تا اصول اخلاقی را در مردم و در میان زمامداران پایدار کند. از نظر ایشان، ظلم چون برخلاف اصل و قرار دادن امور در غیر موضع آن‌ها است، رکود و سستی، انحطاط، تیره بختی و زوال دولت‌ها را در پی دارد. (رشاد، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ص ۳۹) در مقابل، عدالت چون کاری براساس و مبنای فطرت و قرار دادن هر چیز و هر کس در جایگاه خویش است، باعث رشد، کمال و پیشرفت دولت‌ها می‌شود. امیرمؤمنان عليه السلام در خلافت خود به روش و سیره پادشاهان رفتار نکرده و همچون کسانی که اموال را در جهت لذت جویی و مصالح خویش مصرف می‌کنند نبوده است؛ زیرا او اهل دنیا نبوده بلکه انسانی الهی و حق طلب بود که هیچ چیزی را جایگزین خدا و رسولش صلى الله عليه وآله نمی‌کرد. (ابن حدید، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ص ۱۹۷)

از نظر ایشان آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد، به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد عدالت است. ظلم و جور و تبعیض قادر نیست حتی



روح خود ستمگر و روح آن کسی که به نفع او ستمگری می‌شود، راضی و آرام نگه دارد تا چه رسد به ستمدیدگان و پاپمال شدگان. عدالت بزرگراهی است عمومی که همه را می‌تواند در خود بگنجاند و بدون مشکلی عبور دهد، اما ظلم و جور کوره‌راهی است که حتی فرد ستمگر را به مقصد نمی‌رساند. (مطهری، ۱۳۹۲ ب: ص ۱۱۸) عدالت کمالی است که در رأس ارزش‌های انسانی و اسلامی قرار دارد و سلامت همه امور بدان بسته است. یا چنین نگرشی است که پیشوای عدالتگران علی علیه السلام فرموده است: «بدان که برترین بندگان خدا نزد او پیشوایی است دادگر، هدایت شده و راهبر، که سنتی را که شناخته شده است برپا دارد و بدعتی را که ناشناخته است بمیراند ... و بدترین مردم نزد خدا پیشوایی است ستمگر، خودگمراه و موجب گمراهی دیگران، که سنت پذیرفته را بمیراند و بدعت واگذارنده را زنده گرداند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴) برترین بندگان با عدالت برترین می‌شوند و بدترین مردمان نیز با بی‌عدالتی بدترین می‌گردند که کسی جز به تحقق کمال عدالت در خویش نمی‌تواند به سوی کمال مطلق گام بردارد و محبوب حق شود. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ص ۱۷۲)

امام علی علیه السلام فرموده است: «بندگان خدا! همانا محبوب‌ترین بنده نزد خدا، بنده‌ای است که خدا او را در پیکار نفس یار است... عدالت بر خود گماشته و نخستین نشانه آن اینکه هوا و هوس را از دل برداشته.» (نهج البلاغه، خطبه ۸۷) ایشان همه نیکویی‌ها را در سایه عدالتخواهی و عدالت‌گرایی دانسته و آن را شریف‌ترین اصل در کمال رساندن فرد و جامعه معرفی کرده است؛ زیرا در پرتو عدالت است که همه چیز در مجرای صحیح خود قرار می‌گیرد و حق هر ذی‌حقی ادا می‌شود و بستر کمال برای همگان مهیا می‌گردد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ص ۱۷۵) از نظر ایشان عدل، همان انصاف و احسان، همان بخشش است. (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱)

ایشان همواره نشانه‌های عدالت را برای مردمان به جای گذاشت و در نامه ۲۵ چنین می‌فرمایند: با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد حرکت کن. در سر راه هیچ مسلمانی را ترسان، یا با زور از زمین او نگذر و افزون تر از حقوق الهی از او مگیر. هرگاه به آبادی رسیدی، در کنار آب فرود آی، و وارد خانه کسی مشو، سپس با آرامش و وقار به سوی آنان حرکت کن، تا در میانشان قرار گیری، به آن‌ها سلام کن و در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی نکن. سپس می‌گویی: «ای بندگان خدا! مرا ولیّ خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده تا حقّ خدا را که در اموال شماست تحویل گیرم، آیا در اموال شما حقّی است که به



نماینده او بپردازید؟» اگر کسی گفت: نه دیگر به او مراجعه نکن و اگر کسی پاسخ داد: آری، همراهش برو، بدون آنکه او را بترسانی یا تهدید کنی یا به کار مشکلی وادار سازی. (نهج البلاغه، نامه ۲۵)

بنابراین تحقق عدالت در جهت‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از اهداف اساسی حکومت اسلامی است و هر گامی در جهت عدالت اجتماعی یا عدالت سیاسی یا عدالت اقتصادی، گامی در جهت رشد کمالی عدالت برای گام زنده در این راه است.

### ۱-۲-۱. عدالت اجتماعی

در تعریف عدالت اجتماعی در بحث پژوهش حاضر، می‌توان گفت عدالت اجتماعی به معنای امکان بهره‌مندی همگان از شرایط عادلانه برای دسترسی به منابع و فرصت‌های اجتماعی است. به بیانی دیگر عدالت اجتماعی، حفظ حقوق همه مردم در جامعه، احترام به حقوق دیگران و رعایت مصالح عمومی است. در اندیشه اسلامی میان حق و عدالت ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و تحقق عدالت به شناسایی صاحبان حق و ادای حقوق آنان است. نکته اساسی این است که همواره عدالت اجتماعی در سیره معصومین علیهم‌السلام جایگاه بسیار مهمی داشته است. وقتی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مدینه هجرت کردند و حکومت دینی خویش را بنیان نهادند، عدالت اجتماعی از پایه‌های آن بود. در نظام‌نامه‌ای که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پدید آورد و به مثابه قانون اساسی مدینه‌النبی بود، آشکارا می‌توان سلطه قسط و عدل را بر همه اصول و قوانین مشاهده کرد. در این نظام‌نامه، هر کس و هر گروه و جماعتی بر سر جای خویش بود و روابط مسلمانان با دیگر طوایف نیز در آن به گونه‌ای عدالت‌محورانه تشریح گشته بود. امام علی علیه‌السلام نیز نخستین امام معصوم علیه‌السلام نیز حکومت خویش را با عدالت‌گستری آغاز کرد و از ویژگی‌های مشهور او دادگری و قسط و عدل بود.

در اندیشه سیاسی امیرمؤمنان علی علیه‌السلام، عدالت گرایی از چنان منزلتی برخوردار است که هیچ چیزی از نظر ارزش و منزلت با آن قابل قیاس نیست. نام علی علیه‌السلام و عدالت اجتماعی چنان به هم آمیخته است که ذکر هر یک از آن‌ها تداعی‌گر دیگری است؛ چنان که نام علی، عنوان صحیفه عدالت قرار گرفته است. حضرت، عدالت اجتماعی را به ویژه در حکومت خویش، محور تمام دوران حکومتی و سرفصل آن

قرار داد، چنان که عدالت نیز به جای خود، عنوان صحیفه حکومت علی علیه السلام و سرلوحه زندگی وی قرار گرفت. (رشاد، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ص ۳۸)

#### ۲-۲-۱. عدالت اقتصادی

عدالت در اقتصاد زیرمجموعه‌ای از عدالت اقتصادی و رفاه است. هدف عدالت اقتصادی ایجاد فرصت‌هایی برای هر فرد برای داشتن یک زندگی آبرومندانه، سازنده و ... است. همزمان با رشد نمودار درآمد و تحصیلات در اجتماع توقعات افراد نیز افزایش پیدا می‌کند و اگر امکانات جامعه پاسخگوی نیازهای تمام افراد نباشد ماحصل آن تقسیم امکانات به شکل ناقص و نابرابر و شکل‌گیری دو دسته دارا و ندار در جامعه خواهد بود (بوزان، ۱۹۹۹: ص ۴۹) و این امر خود نوعی بدبینی در طبقه ضعیف نسبت به طبقه دارا ایجاد می‌کند؛ چرا که تبعیض در جامعه و تقسیم امکانات را طبقه پایین ناشی از زیاده‌خواهی طبقات بالا می‌دانند و این امر به معنی برهم خوردن ثبات و تعادل در امنیت اجتماعی است؛ بنابراین تاثیر طبقه اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی افراد تاثیرگذار بوده و افراد طبقات اجتماعی بالا از احساس امنیت اجتماعی بیشتری نسبت به افراد طبقه اجتماعی پایین برخوردارند. هم‌چنین احساس محرومیت نسبی، تاثیر معکوسی بر احساس امنیت اجتماعی افراد دارند؛ یعنی با افزایش این عامل احساس امنیت اجتماعی فرد کاهش می‌یابد و بالعکس. رابطه متغیر اقتصادی- اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی، در اکثر مطالعات پیشین امنیت بررسی و مورد تأیید واقع شده است؛ البته در صورتی که احساس امنیت اجتماعی در سطح جامعه در قالب توزیع عادلانه امکانات (شاخص‌های پایگاه اقتصادی- اجتماعی) و ثروت و کاهش فاصله طبقاتی و محرومیت نسبی از یک سو افزایش پیدا کند بر احساس امنیت اجتماعی جامعه افزوده و از سوی دیگر موجب فراهم شدن بستری برای مشارکت مردم در تأمین امنیت اجتماعی جامعه خواهد شد. بنابراین توزیع عادلانه شاخص‌های پایگاه اقتصادی- اجتماعی و کاهش فاصله اقتصادی در جامعه، نخستین پیشنهاد جهت ارتقای احساس امنیت اجتماعی به ویژه در بین افراد متعلق به طبقات اجتماعی پایین‌تر است. اقدام جهت کاهش احساس محرومیت نسبی از طریق ایجاد فرصت‌های برابر و توزیع عادلانه امکانات، دیگر پیشنهاد این تحقیق جهت ارتقای احساس امنیت اجتماعی و نیز بهبود مشارکت افراد در تأمین امنیت است. بدیهی است که وجود مساوات و احساس وجود مساوات،

هم چنین قرار گرفتن افراد جامعه در معرض منافع و مخاطرات برابر از اصلی‌ترین شرایط برقراری امنیت است. (نبوی و دیگران، ۱۳۸۹: ص ۹۴)

در زمان امیرمؤمنان علیه السلام نیز وقتی ایشان زمام امور را به دست گرفت، سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را در تقسیم بیت المال احیاء نمودند. روش پیامبر صلی الله علیه و آله در بیت المال این بود که هرگز آن را ذخیره نمی‌نمود و همه را در میان مسلمانان بالسویه تقسیم می‌کرد و میان عرب و عجم و سفید و سیاه فرق نمی‌گذاشت. (فضلعلی، ۱۳۹۳: ص ۲۳) حضرت علی علیه السلام فرمودند: «ای مردم! هیچ کس از مادر، غلام و کنیز به دنیا نیامده است و همه حر و آزادند. خداوند به برخی از شما نعمت‌های فراوان بخشیده است و کسی که گرفتار است باید شکیبایی پیشه سازد و با شکیبایی خود بر خدا منت نهد. اکنون بیت المال نزد ما حاضر است و آن را میان سفید و سیاه، به طور مساوی تقسیم خواهیم کرد.» (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۸: ص ۶۸) بنابراین به اعتقاد ایشان رفاه زندگی مردم در سایه امنیت تأمین می‌شود: «رِفَاهِيَّةُ الْعَيْشِ فِي الْأَمْنِ». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۰۰)

ایشان در خطبه ۱۲۶ نیز می‌فرماید: «آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آن‌ها ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند تا عمر دارم و شب و روز برقرار است و ستارگان از پی هم طلوع و غروب می‌کنند، هرگز چنین کاری نخواهم کرد! اگر این اموال از خودم بود به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست! آگاه باشید! بخشیدن مال به آن‌ها که استحقاق ندارند، زیاده روی و اسراف است، ممکن است در دنیا مقام بخشنده آن را بالا برد، اما در آخرت پست خواهد کرد. در میان مرد ممکن است گرمی‌اش بدارند، اما در پیشگاه خدا خوار و ذلیل است. کسی مالش را در راهی که خدا اجازه نرمود مصرف نکرد و به غیر اهل آن نپرداخت جز آن که خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود و دوستی آن‌ها را متوجه دیگری ساخت. پس اگر روزی بلغزد و محتاج کمک آنان گردد، بدترین رفیق و سرزنش کننده ترین دوست خواهند بود.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶)

### ۱-۲-۳. حاشیه نشینی به مثابه جلوه عدالت نایمن

تلاقی ناامنی اجتماعی و اقتصادی در مسئله حاشیه نشینی، نمود یافته است. امروزه حاشیه نشینی باعث افزایش آسیب‌های اجتماعی و تضعیف امنیت اجتماعی در شهرها شده است. البته



قابل ذکر است آسیب‌های اجتماعی تنها مختص مناطق حاشیه نشین نیست و در تمامی مناطق شهرها بروز می‌کند؛ لذا نکته قابل تأمل، فراوانی این آسیب‌ها در مناطق حاشیه نشین می‌باشد. (احمدیان شیاده، ۱۳۹۶: ص ۲۳) در حال حاضر یکی از مسایل اجتماعی مهم دیگری که جامعه شهری با آن مواجه است، پدیده حاشیه نشینی است که معلول عوامل متعددی است. در شیوه زندگی جدید (زندگی حاشیه نشینی)، میزان اهمیت، شکل و چارچوب خاص خانواده نیز تغییر خواهد یافت. خانواده گروه‌های مهاجر به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی پشتیبان، از کانون‌های آسیب پذیر در پدیده حاشیه نشینی به شمار می‌رود. تغییرات کند خانواده‌های حاشیه نشین و عدم سازگاری با تغییرات سریع جامعه اکثریت شهری، ناامنی اعضاء در خانواده را به همراه خواهد داشت و در نتیجه امنیت خانواده به عنوان مکان حافظ ارزش‌ها و تعلقات مشترک اعضاء به خطر افتاده و هویت خانواده به عنوان محل امن و آرامش فرد تهدید خواهد شد. فرد به دلیل تفاوت دریافتی خود از جامعه و خانواده دچار سردرگمی شده و گاه خانواده را نقطه مقابل خواسته‌هایش می‌بیند. اگر آنچه خانواده به عنوان ارزش و فرهنگ در طی زندگی پذیرفته است با آنچه در جامعه حاضر جاری است تفاوت داشته و یا متضاد باشد، ناامنی و اضطراب در افراد جامعه به وجود خواهد آمد. در واقع افراد مهاجر با حفظ فرهنگ مبدأ که قابل حل در فرهنگ کلان شهری جدید (مقصد) نیست، افراد را دچار تعارض کرده و ارزش خانواده را در مقابل ارزش جامعه قرار می‌دهد. (قاسمی اردهایی و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۳۹-۳۸) در واقع خانواده‌های حاشیه نشین فرهنگ مبدأ را تماماً در خود حفظ نمی‌کنند؛ لذا نوعی خلاء فرهنگی در آنان ایجاد شده و راه را برای گزینش فرهنگی میانه باز می‌کند که می‌تواند به عنوان فرهنگ حاشیه نشینی شناخته شود. این فرهنگ فاقد محدودیت‌های فرهنگ مبدأ که ناشی از شهرت فرد در محل زندگی قبلی او بوده، نمی‌باشد و از طرفی تلاش برای دستیابی سریع تر به امکانات مقصد فرد را به لحاظ روانی دچار دگرگونی می‌کند که تالی آن عدم ثبات اجتماعی و تغییر در خرده فرهنگ‌های اجتماعی فرد می‌باشد. (زنجانی، ۱۳۷۱: ص ۶۷)

طبق تعداد زیادی از تحقیقات که بیان داشته اند تعداد جمعیت، نداشتن شغل و درآمد مناسب و سواد اندک زمینه را برای بروز جرایم فراهم می‌کند. می‌توان گفت در محلات حاشیه نشین شهرها نیز شرایطی مانند تراکم بالای جمعیت، پایین بودن سطح سواد، نبود شغل و درآمد مناسب همواره این محلات را برای بروز آسیب‌های اجتماعی و ارتکاب جرایم مستعد کرده است. باید اشاره کرد تا

زمانی که این عوامل زمینه ساز در محلات وجود داشته باشد، این مناطق بالقوه مستعد بروز جرایم خواهند ماند و نباید انتظار داشت این مناطق امنیت را برای شهر به ارمغان آورند. پس باید این طرز فکر را که شخص حاشیه نشین ذاتا انسان منحرف و امنیت ستیزی است را از ذهن دور ساخت و مطالعات خود را بر روی فشارهای درونی و محیطی که زمینه ساز انحراف در حاشیه نشینان می‌شود متمرکز ساخت. بنابراین در بررسی عوامل موثر بر مهاجرت حاشیه نشینان، یافتن شغل بهتر و در مرتبه بعد استفاده از امکانات مهم‌ترین عوامل تاثیر گذار بوده است. (قاسمی اردهایی و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۵۲) و میزان احساس امنیت خانواده‌های حاشیه نشین در سه بعد (اقتصادی، آموزشی - فرهنگی و محیط خانواده) سنجیده شده است. امروزه حاشیه نشینان با توجه به تفاوت فرهنگی نسبت به جامعه شهری، در مواجهه با مشکلات پیش آمده در محیط شبه شهری - روستایی جدید ناتوان می‌مانند. اعتیاد، فروش مواد مخدر و به دنبال آن فحشاء از مهم‌ترین مسایلی بوده که ساکنان محله‌های حاشیه شهر به آن اشاره داشته‌اند. می‌توان گفت که عدم برخورداری از امنیت در تمامی سطوح می‌تواند زمینه وارد شدن افراد به گروه‌های بزهکار را فراهم نموده و مسایل اجتماعی جدیدتری را موجب گردد. (قاسمی اردهایی و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۵۱ و ۵۳)

## ۲-۲. فرهنگ عمومی

از ارکان و پایه‌های زیربنایی و اساسی امنیت اجتماعی، نگهداری فرهنگ درست و ارزشمند گذشتگان و نیاکان است که این فرهنگ در اثر مبادی اخلاقی و اجتماعی دینی به دست آمده است؛ فرهنگی که با گذشت زمان و پیشرفت علوم به تکامل می‌رسد و با حدوث مفاهیم جدید و تازه‌ای، خود را در راه تعالی و دفاع از فرهنگ‌های بیگانه هماهنگ می‌سازد. آداب و فرهنگ در جامعه در گذر زمان و در اثر تقلید و تکرار افراد و نسل‌های آن جامعه به وجود آمده و قوام یافته به گونه‌ای که به سمت درونی شدن در آن جوامع حرکت می‌کند. (ورجوند، ۱۳۷۵: ص ۷۴-۷۳) این رسوم و عادات که ساخته شده از نحوه زندگی افراد یک جامعه است نماینده هویت آنان نیز می‌باشد و این امر زمینه ساز یکپارچگی و احساس یگانگی در اعضای جامعه است و این همان شاخص قوام و دوام امنیت اجتماعی در هر جامعه‌ای است. از میان تمام مظاهر فرهنگی، فرهنگ دینی نقش بنیادین خود را دارد. فرهنگ دینی می‌تواند میان گویش‌های گوناگون، گروه‌های متفاوت و ملت‌های مختلف وحدت و یگانگی ایجاد کند. (زرگر و دیگران، ۱۳۹۸: ص ۱۱۳) چه آن که در گفتمان



توحیدی جوهره دین و ایمان معطوف به وحدت و پرهیز از تفرقه است آنگونه که خداوند متعال در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران، فرمان به «اعتصام به ريسمان الهی داده و پرهیز از تفرقه» داده است. لکن تحقق این مهم منوط به شرایطی است در واقع تأمین وحدت در سایه دین ملزوماتی دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها اطاعت فرامین پروردگار به عنوان یگانه معبود و دیگری تأکید بر باورهای مشترک و تمرکز بر اشتراکات است. در این میان نقش رواداری و بردباری مذهبی در خصوص اختلافات اهمیتی مضاعف می‌یابد که بایسته است این ملزومات از علما به امت، آموخته شود و جلوه‌های فرهنگی وحدت بیش از پیش تقویت شود. از نقطه نظر فرهنگ مذهبی، پوشش و لباس افراد گویاترین و ظاهرترین نماد شخصیت و هویت فرد و در مجموع هویت یک جامعه است. در حقیقت قضاوت اولیه نسبت به هر فرد در جامعه یا یک جامعه در مجموع از توجه به شکل و نحوه پوشش فرد و مقایسه آن با دیگر افراد خواهد بود و به عبارت دیگر، لباس، آسان فهم‌ترین نماد هویت یک جامعه است.

امنیت اجتماعی را به توانایی جامعه در حفظ عقاید و باورهای خود می‌شناسیم؛ بنابراین یکی از شاخصه‌های اصلی برای حفظ امنیت اجتماعی در هر جامعه‌ای توانایی آن جامعه در انتقال ارزش‌ها و مفاهیم عقیدتی خود به افراد حاضر در اجتماع است. هر قدر که جامعه در این امر موفقیت بیشتری کسب کند امنیت اجتماعی را در سطح بالاتری محقق کرده است. (کوئن، ۱۳۷۲: ص ۱۲۹-۱۳۹؛ گیدنز، ۱۳۷۴: ص ۴۷۲ و ۴۷۹) در این راستا حضرت به اقلیت‌ها نیز توجه داشته و در فرهنگ مذهبی که حاکم بر حکومت امام علی علیه السلام بود، حتی اهل کتاب (یهودیان، مسیحیان، زرتشت و...) هم باید احساس امنیت، برابری در برابر قانون و نیز امکان استیفای حقوق خود را داشته باشند؛ لذا حضرت علیه السلام ضمن سفارش زرتشتیان به حاکم فارس، تأکید می‌نماید که باید با ایشان خوش رفتاری شود و نسبت به شکایت دهقانان این منطقه، به والی فارس هشدار می‌دهد. (نهج البلاغه، نامه ۱۹)

همچنین عتاب امام علیه السلام در جریان حمله به شهر انبار که اموال مسلمین و غیرمسلمین غارت شده بود و خلخال از پای زن یهودی کشیده بودند، (نهج البلاغه، خطبه ۲۷) دلالت بر این دارد که امام علیه السلام به کل جامعه و ملت به جهت این که زیر مجموعه نظام اسلامی هستند، توجه خاص دارد.

از دیگر اصول و خط مشی‌های کلی سیاست حضرت علیه السلام ترویج فرهنگ (تملق‌گریزی و نصیحت‌پذیری) بوده است؛ لذا هم خود بر این ارزش اصرار می‌ورزید (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۷) و هم به دیگران نیز چنین توصیه می‌فرمود که حق‌گویانی که تلخ سخن هستند، باید برگزیدگان نزد تو باشند و از مجیزگویان شیرین سخن که کارهای ناکرده را بزرگ می‌شمارند و ثناگویی آن‌ها مایه خودخواهی می‌شود، بپرهیز. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

### ۲-۳. هویت اجتماعی

هویت اجتماعی نوعی احساس پابندی، دلبستگی و تعهد به اجتماع ملی است که موجب وحدت و انسجام جامعه است و بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد. (رزازی فر، ۱۳۷۹: ص ۱۰۶) زمانی که هویت یک گروه اجتماعی به مخاطره بیفتد، امنیت اجتماعی مطرح می‌شود. در واقع هر آن چه که هویت اجتماعی گروه‌ها را به مخاطره بیندازد به عنوان تهدید امنیت اجتماعی محسوب می‌گردد. (نویدینیا، ۱۳۸۲: ص ۷۴) بر این اساس مهم‌ترین مفروض رهیافت امنیت اجتماعی این است که بقاء و دوام هر جامعه منوط به حفظ هویت آن جامعه است. (کریمایی، ۱۳۸۴: ص ۱۴۶) تهدید امنیت اجتماعی ارتباط نزدیکی با تهدیدات نسبت به هویت و ارزش‌های مورد احترام جامعه دارد؛ به عبارتی شاخص‌های امنیت اجتماعی چیزی از عناصر هویتی جامعه جدا نیستند، به ویژه در جوامعی که دارای ارزش‌هایی است که توافق جمعی بر سر حفظ و حراست از آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است، می‌تواند نمود خاصی داشته باشد. به عنوان نمونه جوامعی مانند ایران که ارزش‌های دینی یا ملی باعث قوام و انسجام اجتماعی می‌شود. شاخص‌های امنیت اجتماعی در قالب عناصر هویتی که کلیت یکپارچه جامعه را فراهم می‌نمایند، مطرح می‌گردد. (بال و دیگران، ۱۴۰۰: ص ۳۳۰)

عناصر تشکیل دهنده هویتی ایران را در مجموعه‌هایی همچون «سرزمین»، «زبان»، «آیین‌ها»، «رسوم ملی و هنر» و در مجموعه‌ای از اخلاقیات و فرهنگ و عنصر «ایرانیت» می‌توان شناسایی کرد. ضمن آن که عنصر دین از این منظر که نظامی متشکل از اعتقادات روحی و احکام و عبادات و ارزش‌های اخلاقی است که فرد را در چارچوب روابط گروهی به خالق متعال یا نیروهای مافوق پیوند می‌دهد، یکی از منابع شکل دهنده رفتارها و باورهای ایرانیان است به عبارتی هویت دینی یکی از مهم‌ترین ابعاد هویت بوده که نقش تعیین‌کننده‌ای در هویت‌یابی افراد ایفاء می‌کند.

(کاکاوند و دیگران، ۱۳۹۸: ص ۱۴۹) به این ترتیب اغلب محققان بر این نکته اتفاق نظر دارند که چهار رکن مهم و عمده هویت ملی در ایران از گذشته‌های دور عبارتند از: جغرافیا و سرزمین، زبان فارسی، تاریخ گذشته کشور و دین اسلام است. در واقع زبان یک ملت از اساسی‌ترین عوامل شکل‌گیری، حفظ و انتقال هویت به شمار می‌رود لذا ثبات و عدم آسیب‌پذیری آن می‌تواند معیاری برای سنجش میزان آسیب‌پذیری یا مقاومت هویت یک جامعه در برابر تغییر باشد. (تنهایی، ۱۳۷۴: ص ۴۲۷ و ۴۳۵) به هر میزان که زبان و ادبیات یک فرهنگ از آسیب و دگرگونی حفظ شود به همان میزان هویت جامعه از ثبات برخوردار خواهد بود و به تبع آن امنیت اجتماعی از ثبات بیشتری برخوردار خواهد بود. در واقع حفظ آن در زمره شاخص‌های امنیت اجتماعی قرار دارد؛ چرا که به میزان حفظ زبان و تبعات آن، حفظ هویت جامعه امکان‌پذیر شده و امنیت اجتماعی تحقق می‌یابد و تعلق در رواج زبان و ادبیات مکتوب، فرآیند هویت‌یابی افراد جامعه را آسیب‌پذیر کرده و آن‌ها را در معرض تهدیدات جدی قرار می‌دهد. (نویدنیا، ۱۳۸۲: ص ۷) یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت آفرین حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه است که امام علی علیه السلام در خطبه ۱۹۲ نقش وحدت را در پرهیز از جنگ‌های مذهبی به زیبایی به تصویر می‌کشد: «آن‌گاه که وحدت اجتماعی داشتند، خواسته‌های آن‌ها یکی، قلب‌های آن‌ها یکسان، آیا در آن حال مالک سراسر زمین نشدند؟ پس به پایان کار آن‌ها بنگرید! در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند و مهربانی و دوستی از میان آن‌ها رفت و از هم جدا شدند، به حزب‌ها و گروه‌ها پیوستند، خدا لباس کرامت خود را از تن آن‌ها بیرون آورد و نعمت‌های شیرین را از آنان گرفت». (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲)

امام علیه السلام در خطبه ۱۷۶ می‌فرماید: «از چنددستگی در دین حذر کنید، که همبستگی و وحدت در راه حق، گرچه کراهت داشته باشید، از پراکندگی در راه باطل، گرچه مورد علاقه شما باشد، بهتر است؛ زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان، چیزی را به تفرقه عطا نفرموده است». (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۶)

### ۳. لوازم و بایسته‌های امنیت اجتماعی

با در نظر داشتن مؤلفه‌های امنیت اجتماعی ضروری است که لوازم و بایسته‌های امنیت به خوبی شناسایی شوند. برخی از لوازم امنیت اجتماعی عبارتند از امر به معروف و نهی از منکر، پرهیز

گروه‌های سیاسی از پراکندگی، آمادگی دائمی و همگانی برای دفاع، پرهیز از تفرقه میان مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی و در نهایت احترام به حاکمیت قوانین عادلانه.

### ۳-۱. آمادگی دائمی و همگانی برای دفاع

یکی از مواردی که در دوران حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام از سوی آن حضرت بسیار مورد تأکید قرار گرفته و همواره مردم بدان ترغیب شدند "جهاد" است چنان که آن حضرت جهاد را مایه امنیت دانسته و هر امتی که از آن محروم باشند را به سیه روزی و ناامنی دچار می‌دانند. ایشان زمانی که خبر دادند که عمال معاویه به شهر انبار هجوم بردند و مسلمانان به دفاع برخاستند در باب لزوم جهاد فرمودند: «مردمی که از جهاد روی برگردانند، خداوند لباس عزت بر تن آنان نمی‌پوشاند و بلا به آنان هجوم می‌آورد. حقیر و ذلیل می‌شوند، عقل و فهم آنان تباہ می‌گردد و به خاطر تضییع جهاد حق آنان پایمال می‌گردد و نشانه‌های ذلت در آنان آشکار می‌گردد و از عدالت محروم می‌گردند.» (محقق خوانساری، ۱۳۸۵، ج ۵: ص ۴۲۱)

امروزه جامعه زمانی می‌تواند در جهت پیشرفت و ترقی گام بردارد و به هدف‌های مادی و معنوی برسد که در آرامش و امنیت کامل باشد. خدمت در جهت امنیت مردم، یکی از بزرگترین نعمت‌هاست. (بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۳/۰۷/۱۵) این آرامش و امنیت امکان‌پذیر نیست جز این که نیروهای مسلحی بر مبنای آیین حق داشته باشد. (عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۶۳: ص ۳۹) بدین دلیل پس از دفاع مقدس، مهم‌ترین عامل بازدارندگی تهاجم نظامی دشمنان به کشور جمهوری اسلامی ایران، صلابت، استواری و توانمندی نیروهای مسلح است. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران همواره به عنوان بازوی قدرتمند ولایت، پاسدار حفظ دستاوردهای نظام و کارگزار اصلی استقرار امنیت داخلی و مرزهای کشورند. (جلیلومند، ۱۴۰۱: ص ۱۶۶) به همین دلیل امام خمینی رحمته الله علیه به مسئولان نظام سفارش داشتند که در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و بالا بردن آموزش‌های عقیدتی و نظامی و توسعه تخصص‌های لازم و خصوصاً حرکت به طرف خودکفایی نظامی غفلت نکنند. غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگ و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد. مقام معظم رهبری آمادگی‌های لازم و هوشیاری نیروهای مسلح در رصد کردن تحرکات دشمنان منطقه‌ای و

فرمانطقه‌ای را یادآور می‌شوند و خواهان افزایش توان دفاعی آنان برای تأمین امنیت در بازدارندگی از تهاجم دشمنان است. نیروهای مسلح، باید کاری کنند که هیچ دشمنی نتواند در استقلال و استحکام یکپارچگی و تمامیت ارضی ما طمع کند. ما آمادگی‌های خود را برای مقابله با استکبار، همیشه حفظ می‌کنیم، همین حالا هم آماده هستیم، ما قصد تجاوز به هیچ کس را نداشتیم، باز هم نداریم؛ اما آماده‌ایم که برای مقابله با تجاوز هرکس که باشد، اقدام کنیم. مزیت و امتیاز منحصر به فرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی پشتوانه میلیونی ملت ایثارگر ایران در قالب بسیج است که نقش مهمی در استحکام و اقتدار نیروهای نظامی و انتظامی دارد و دلوری‌های آنان در کارنامه درخشان پیروزی‌های نبرد هشت سال دفاع مقدس ثبت است. پس از روزگاران سراسر حماسه جاوید دفاع مقدس هم خواهان گسترش و تقویت تفکر بسیجی در دوران سازندگی و توسعه سیاسی و اقتصادی است تا اقتدار و امنیت نظام در تمام مراحل پیشرفت و توسعه برای همیشه محفوظ بماند. اگر بر کشوری ندای دلنشین تفکر بسیجی طنین اندازد، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید والا هر لحظه باید منتظر حادثه باشیم. بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد. (جلیلومند، ۱۴۰۱: ص ۱۶۷) از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهدیدهای امنیت اجتماعی شامل ایجاد فتنه و آشوب، تهدید و ارباب، تبلیغات سوء دشمنان، ایجاد شبهه در عقاید جوانان، ایجاد تفرقه مذهبی، دخالت دشمنان در امور داخلی کشور، فساد اخلاقی و مالی، تفرقه قومی، قانون شکنی، ناامنی محیط اجتماعی، شیوع مواد مخدر و اعتیاد در جامعه و عدم اشتغال جوانان است که هر کدام می‌تواند موجب بروز ناامنی اجتماعی شود. البته مقام معظم رهبری تولید و حفظ امنیت اجتماعی را وظیفه یک دستگاه یا سازمان نمی‌دانند، بلکه آن را برآیند فعالیت مشترک همه نظام‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌دانند. بنابراین برای تأمین آن، همه دستگاه‌ها و سازمان‌ها حتی اعضای خانواده‌ها باید دخیل باشند، احساس تکلیف کنند و نقش خود را بشناسند و به آن عمل کنند. (شایگان، ۱۳۹۲: ص ۲۶۸)

### ۲-۳. دفاع در عرصه جنگ نرم و تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی، حمله‌ای غالباً نرم‌گونه است که با هدف تخریب فرهنگ ملی و انقلابی، گزاره‌ها و مفاهیم معارض با فرهنگ خودی را در بدنه آن می‌نشاند (مقدّس و دیگران، ۱۴۰۰: ص ۲۹) و به بیانی دیگر جریان دقیق و پنهان و از قبل برنامه‌ریزی شده است و جنگ نابرابرانه و



غافلگیر فرهنگ غرب علیه ملت‌ها و ارزش‌های فرهنگی به خصوص ایدئولوژی اسلام و انقلاب اسلامی است. دشمن در این جنگ نرم از شیوه و ابزارهای مختلفی استفاده می‌کند و در حال حاضر مهم‌ترین ابزارها ماهواره است. از منظر رهبر انقلاب، تهاجم فرهنگی بدین معناست که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی، به بنیان‌های فرهنگی یک ملت هجوم بیاورد و با قوه قهریه و به خاطر دستیابی به مقاصد سیاسی، عناصر جدیدی را به بدنه آن فرهنگ وارد کند و جانشین فرهنگ ملی آن ملت شود و آن ملت را اسیر کند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نویسندگان، صاحب نظران و کارکنان رسانه‌های گروهی، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱) در دوران اخیر، با توجه به پیشرفت‌های ایران اسلامی در حیطه‌های نظامی و جنگ سخت، تلاش‌های دشمنان انقلاب غالباً رنگ و شکل دیگری به خود گرفته و به سمت و سوی جنگ نرم کشیده شده است که یکی از نمودهای بارز آن، تهاجم فرهنگی است که با ابزارهای مختلف در حال انجام است. رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در بیانات مختلف خود طی سال‌های متمادی به این مسأله توجه داشته و در دیدار با قشرهای مختلف مردم جامعه، نسبت به خطرات این تهاجم هشدار داده، چنان که در جایی می‌فرماید: «این مسأله تهاجم فرهنگی که ما بارها روی آن تأکید کرده‌ایم، واقعیت روشنی است؛ با انکار آن ما نمی‌توانیم اصل تهاجم فرهنگی را از بین ببریم. تهاجم فرهنگی را نباید انکار کرد؛ وجود دارد. (مقدس و دیگران، ۱۴۰۰: ص ۳۰) امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «من نام لم ینم عنه» (نهج البلاغه، ص ۴۵۲)؛ اگر شما در سنگر خوابت برد، معنایش این نیست که دشمن هم در سنگر مقابل خوابش برده است. تو خوابت برده؛ سعی کن خودت را بیدار کنی، ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب اسلامی در تهدید است؛ کما این که اصل فرهنگ ملی و اسلامی ما در تهدید دشمنان است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۰/۰۹/۲۰)

اساسی‌ترین هدف دشمن از تهاجم فرهنگی، اسلام زدایی و ضربه زدن به انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران است تا از این طریق رهبر جهان شود و به غارت و چپاولگری خود ادامه دهند. یکی دیگر از اهداف دشمن از تهاجم فرهنگی، عدم تربیت انسان‌های مسلمان و اسلامی است؛ اصولاً وجود انسان‌های آگاه و بیدار با تربیت والای اسلامی با منافع نامشروع مستکبران منافات دارد. (احمدی و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۲)

تفرقه آفرینی و پراکندن و برهم زدن وحدت از دیگر اهداف دشمنان است و از جمله عواملی است که جامعه را به مسلخ نابودی می‌کشاند. اختلاف نظر در مسایل مختلف امری طبیعی و مقتضای سطح عقول آدمیان و سلیقه‌های مختلف است اما این اختلاف نظرها باید مدیریت شود تا از قبل آن، مسایل کشور بهتر رفع و رجوع شود. (مقدّس و دیگران، ۱۴۰۰: ص ۳۴) اما کوبیدن بر طبل اختلاف ها، احزاب مختلف جامعه را از هم دور می‌سازد و زمینه را برای تقسیم نیروهای داخلی و در نتیجه تضعیف آن‌ها فراهم می‌سازد و سرانجام ملت را به کام نابودی می‌کشاند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۲/۰۶/۱۹) و این همان کاری است که دشمنان در میان گروه‌های مختلف و در سطوح مختلف انجامش می‌دهند؛ که برخی از آن‌ها مانند تفرقه میان گروه‌های مذهبی و گروه‌های قومی، نقش محوری را در تهاجم فرهنگی دشمن ایفا می‌کنند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۸۶/۰۵/۲۸) ثبات کشور، دست بیگانگان را برای دست اندازی به کشور و منابع آن کوتاه می‌کند. از این رو تفرقه افکنی به عنوان یکی از راهبردهای مهم دشمن در تهاجم فرهنگی است. (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم هجدهمین سالگرد ارتحال حضرت خمینی علیه السلام، ۱۳۸۶/۰۳/۱۴)

### ۳-۳. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مسایلی که عمیقا با امنیت اجتماعی مرتبط است، امر به معروف و نهی از منکر است و می‌توان گفت یکی از اثرات مهم امر به معروف و نهی از منکر، امنیت بخشی به فرد و جامعه است و سایر اثرات و کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر مثل بقای جامعه و حفظ وحدت، عدالت اجتماعی و اقتصادی، آبادانی و سازندگی، قدرتمندی افراد صالح جامعه و تضعیف دشمنان و منافقان، همگی در راستای نظارت همگانی در اسلام (فریضه امر به معروف و نهی از منکر) است. (خلیلی دهدزی و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۱)

دید دقیق علی علیه السلام نسبت به این دو عمل مهم عبادی- اجتماعی در نهج البلاغه نمایان است و از این میان این کلام حضرت همانند خورشیدی می‌درخشد: «و تمام کارهای نیکو و جهاد در راه خدا برابر امر به معروف و نهی از منکر، چونان قطره‌ای بر دریای موج و پهناور است. همانا امر به معروف و نهی از منکر، نه اجلی را نزدیک می‌کنند و نه از مقدار روزی می‌کاهند». (نهج البلاغه،

حکمت (۳۷۴) ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید چون که ترک این دو وظیفه موجب می‌شود که اشرار بر شما مسلط گردند و باعث ناامنی گردند.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)

امر به معروف و نهی از منکر و کنترل کارگزاران نظام از وظایف مهم اجتماعی است و به اعتقاد رهبری امر به معروف و نهی از منکر از پایه‌های مهم امنیت اجتماعی است. (شایگان، ۱۳۹۲: ص ۲۶۹) از دیدگاه رهبری برای اصلاح امور جامعه و استقرار نظم و امنیت اجتماعی لازم است: «امروز فقط جنگ نظامی نیست؛ اما همه تهاجم‌های دیگر، با شدت کم سابقه‌ای وجود دارد. در مقابل این تهاجم، این جامعه اسلامی باید زنده، هوشیار، آسیب‌ناپذیر، پرامید، آماده مقاومت، آماده ضربه زدن و به صورت یک موجود زنده مقاوم بماند و مقاومت کند. موضوع امر به معروف و نهی از منکر، موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی با انجام این تکلیف زنده می‌ماند و قوام حکومت اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر است. (منظمی‌تبار، ۱۴۰۰: ص ۶۸) در واقع هر جامعه پویایی نیاز به آرامش و امنیت در حوزه‌های اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد و همان طور که بیان شد، یکی از راه‌های تأمین امنیت اجتماعی در جامعه اسلامی احیاء و اجرای اصل امر به معروف و نهی از منکر است. (رجبی و دیگران، ۱۳۹۸: ص ۸۸) قرآن کریم همواره اهمیت ویژه‌ای به موضوع امر به معروف و نهی از منکر داده است به طوری که حتی این دو را قبل از نماز و روزه ذکر می‌فرماید؛ زیرا تا این‌ها نباشند نماز و روزه‌ای محقق نمی‌شود. وجود نماز و روزه حقیقی، مشروط به انجام این دو واجب بزرگ است. طبق آیات قرآن کریم لازم است همه افراد جامعه وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهند؛ اما در خود جامعه هم باید عده‌ای باشند که بر انجام این فریضه نظارت کنند. آنان در سطحی بالاتر کارهای اجتماع را در نظر می‌گیرند و دستورات اجتماعی می‌دهند و البته همه مردم باید وظایف فردی خود را نسبت به هم فراموش نکنند. (غضنفری، ۱۳۸۱: ص ۲۲۶-۲۲۵) افزون بر این که استفاده از افعال مضارع چون (یدعون، یامرون، ینهون و غیره)، در آیات شریفه حکایت از لزوم استمرار و دوام این فریضه در طول تاریخ و گذشت اعصار دارد.

امام علی علیه السلام هم چنین در خطبه ۲۰۱ چنین می‌فرماید: «ای مردم! در راه راست، از کمی روندگان نهراسید؛ زیرا اکثریت مردم بر گرد سفره‌ای جمع شدند که سیری آن کوتاه و گرسنگی آن

طولانی است. ای مردم! همه افراد جامعه در خشنودی و خشم شریک می‌باشند، چنان که شتر ماده ثمود را یک نفر دست و پا برید، اما عذاب آن تمام قوم ثمود را گرفت زیرا همگی آن را پسندیدند. خداوند سبحان می‌فرماید: «ماده شتر را را پی کردند و سرانجام پشیمان شدند.» سرزمین آنان چونان آهن گداخته‌ای که در زمین نرم فرو رود، فریادی زد و فرو ریخت. ای مردم! آن کس که از راه آشکار برود، به آب می‌رسد و هر کس از راه راست منحرف شود، سرگردان می‌ماند.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱)

#### ۳-۴. رفق و مدارای مردم با یکدیگر و حکومت با مردم

اگر در جامعه مردم قدرت تحمل یکدیگر را نداشته باشند و به یکدیگر در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی بهاء ندهند، جامعه در اثر پراکندگی و تفرقه مدام در حال تشویش خواهد بود و زمانی که این اختلافات در طول زمان و به دلیل عدم درک متقابل اجتماعی عمیق شود ماحصل آن ناامنی در عرصه اجتماع خواهد بود. حضرت علی علیه السلام در ضرورت وجود همدلی و دوری از کج سلیقگی و ناسازگاری می‌فرماید: «و همواره همراه بزرگترین جمعیت‌ها باشید که دست خدا با این جمعیت است. از پراکندگی بپرهیزید که انسان تک و تنها، بهره شیطان است. همچنان که گوسفند تنها طعمه گرگ می‌شود.» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۰۱) همچنین ایشان خطاب به کارگزاران خود در عراق می‌فرماید: «چون که شما در شهرهایتان در پی فساد هستید ولی سپاهیان دشمن در پی صلاح، شما در آینده‌ای نزدیک شکست می‌خورید و امنیت اجتماعی خویش را از دست می‌دهید.» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۰۱) علی علیه السلام پس از آگاه شدن از حمله وحشیانه "بسرین ارطاه" به مناطق تحت کنترل خود نیز فرمود: «به جهت اختلاف و تفرقه شما من شکست شما و تهدید امنیت شما را می‌بینم.» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۰۱) همچنین حضرت علی علیه السلام در نکوهش گروهی که دعوت وی به جهاد را لیبیک نگفته و وی را تنها گذاشتند فرمودند: «از بس شما را سرزنش کردم خسته شدم. آیا به جای زندگی آخرت به زندگی دنیا راضی شده‌اید؟ به جای عزت و سربلندی، بدبختی و ذلت را برگزیده‌اید؟! هرگاه شما را به جهاد با دشمن فراخواندم چشمانتان از ترس در جام دیده دور می‌زند گویا ترس از مرگ عقلتان را ربوده و همانند افراد مستی که قادر به پاسخ نیستند از خود بیخود و سرگردان شده‌اید و گویا عقل‌های خود را از دست داده‌اید و نمی‌فهمید. من هرگز و هیچگاه به شما اعتماد ندارم. بر شما اعتماد نیست که در

رفع دشمن به شما تکیه شود. دشمن برای شما نقشه‌ها می‌کشد اما شما مرد کشیدن نقشه‌ای بر ضد آنان نیستید. چشم دشمن برای حمله به شما خواب ندارد. ولی شما در غفلت و بی‌خبری به سر می‌برید. شکست از آن‌انی است که دست از یاری یکدیگر برمی‌دارند.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

### ۳-۵. احترام به حاکمیت قوانین عادلانه

قوانین مناسب و برابری همگان در پیشگاه قانون، بستر شکل‌گیری ساختاری اجتماعی است که می‌تواند تأمین‌کننده امنیت اجتماعی در هر جامعه‌ای باشد. قوانینی که با روح عمومی حاکم بر جامعه مغایرت داشته باشند و بر تبعیض استوار باشند و یا در اجرای مشکل‌زا باشند، توانایی تنظیم رفتار متقابل افراد در عرصه اجتماع را ندارند، چون مردم به آن قوانین با دیده اعتبار نمی‌نگرند. بنابراین باید قوانینی منظم و مدون و به دور از هرگونه تبعیض تنظیم شوند. (ساوه درودی و دیگران، ۱۴۰۱: ص ۴۷) تدوین و تصویب قوانین جامع و در عین حال عادلانه، راهگشا در سهولت اجرای برنامه‌های بلند مدت توسعه پایدار نظام اسلامی و همچنین در پیدایش و گسترش امنیت اجتماعی، اقتصادی و قضایی کمک می‌کند و هم مسیر حرکت سیاست‌گذاران و مدیران عالی و میانی اجرایی را روشن می‌سازد. به همین دلیل امام علیه السلام از عصاره فضایل ملت می‌خواهد که در طرح قوانین و تصویب لوایح نگاه فراگیر و اصولی به مسائل کلان نظام وجود داشته باشند و از امور جزئی و مقطعی پرهیز کنند. نظم عمومی روش‌مند، با رعایت قانون در تمام سطوح کشور بیانگر رشد سیر صعودی ضریب امنیت اجتماعی و ملی است و تذکر مهم امام خمینی علیه السلام به ملت این است که «همه قشرها که در هر جا هستند و در هر محلی هستند حفظ قانون را بکنند و حفظ قواعدی که بر کشور جاری هست بکنند» و نیز به عمل به قانون اساسی سفارش می‌کند معیار در اعمال نهادها قانون اساسی است و تخلف از آن برای هیچ کس چه متصدیان امور کشوری و لشکری و چه اشخاص عادی جایز نیست. (جلیلوند و دیگران، ۱۴۰۱: ص ۱۶۸)؛ لذا ثبات و امنیت زمانی بر جوامع حاکم می‌گردد که همگان به تبعیت از قواعد حاکم بر آن جامعه بپردازند. اگر شرایطی فراهم شود که افراد خود را در عدم رعایت موازین قانونی آزاد بدانند و این امر رواج پیدا کند تلاطم در جامعه زمینه ساز ناامنی خواهد شد.

حضرت علی علیه السلام به تمام معنای کلمه، قانونمدار و مجری قانون الهی بود و در این راه بین خودی و غریبه تفاوتی نمی‌گذاشت و اگر کسی برخلاف قانون عمل می‌کرد، بدون در نظر گرفتن

موقعیت و مقام وی، حدود الهی و قانونی را بر وی اجرا می‌کرد و هیچ واسطه و شفاعتی را نمی‌پذیرفت و در این مورد دقیق عمل می‌کرد. برخی درباره شدت عمل حضرت علی علیه السلام در اجرای قانون الهی، از کلمه سختگیری استفاده می‌کنند که درست نیست. عمل به قانون و اجرای آن سخت‌گیری نیست، بلکه عمل به وظیفه است. (رشاد، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ص ۵۷) ایشان در جایی که یک مسلمان خوک یک کافر ذمی را کشته بود و آن شخص دعوی خود را نزد آن حضرت برده بود: «حکم به ضرر مسلمان داد و او را ملزم به پرداخت بهای آن خوک به نصرانی نمود.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۵)

### نتیجه‌گیری

امنیت به مثابه نعمتی حیاتی و مستور در یک جامعه است. شاید در ظاهر امنیت حالت پیش فرض یک اجتماع تلقی شود که ممکن است به واسطه تحقق وقایع، تنش و تشنج مختل گردد؛ لکن این تلقی از امنیت صحیح نیست بلکه برعکس امنیت یک حالت خاص و خلاف اصل است که برای تحقق و استقرار آن باید لوازم و مقتضیات آن را فراهم نمود به بیان دیگر برای نیل به امنیت پایدار در یک جامعه باید به لوازم و مؤلفه‌های امنیت آفرین توجه گردد. هرچند مؤلفه‌های فراوانی را می‌توان برای استقرار امنیت برشمرد لکن به طور مشخص می‌توان سه مقوله «عدالت»، «فرهنگ» و «هویت اجتماعی» را به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت اجتماعی شناسایی نمود. چه آن که فقدان عدالت با نبود امنیت فاصله‌چندانی ندارد و ظلم مصداق بزرگ‌ترین ناامنی اجتماعی است. از سوی دیگر فرهنگ یک جامعه نقشی بی‌بدیل در امنیت جامعه خواهد داشت. از این روست که تمدن‌ها و جوامع با سابقه فرهنگی دیرینه که در نتیجه فرهنگ خود به نوعی وفاق اجتماعی رسیده‌اند اغلب کمتر در تحقق امنیت دچار مشکل می‌شوند. نقش هویت و وفاق اجتماعی در مقوله امنیت، موضوع مهم دیگر را به پیش می‌کشد. جامعه‌ای که در پارادایم وفاق اجتماعی توانسته است به ترجمان هویت ملی برای شهروندان خود بپردازد و سرنوشت عضو عضو جامعه را در ذیل چتر هویت اجتماعی به خوبی ادغام نماید به گونه‌ای که هر شهروند خود را به عنوان عضوی از یک گروه بزرگتر یعنی وطن تعریف کند، جامعه‌ای است که در مسیر امنیت اجتماعی گام نهاده است. تأمین و استقرار پایدار امنیت اجتماعی مستلزم اهتمام به مسائل و موضوعات متعددی در ابعاد مختلف



است از یک سو تهدیدات سخت امنیتی می‌طلبد که در کشور «آمادگی دائمی و همگانی برای دفاع» در سطح بالایی وجود داشته باشد و از دیگر سو جنگ نرم دشمن در زمینه تهاجم فرهنگی؛ که ضروری است به «دفاع در عرصه جنگ نرم و تهاجم فرهنگی» اهتمام داشت؛ از دیگر سو حفظ حیات معنوی جامعه و سامانمندی امور جامعه مستلزم جریان دائمی فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است. در این میان نباید از رفق و مدارای مردم با یکدیگر و احترام به حاکمیت قوانین عادلانه غفلت ورزید.

## منابع

### قرآن کریم

نهج البلاغه. ۱۴۱۴ ق، شریف الرضی، محمد بن حسین، مصحح: صالح صبحی، قم: هجرت.

۱. ابن ابی الحدید، ۱۴۰۷ ق، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، بیروت: دارالجیل.
۲. برتون، رولان، ۱۳۸۴ ش، قوم شناسی، ترجمه: ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
۳. بوزان، باری، ۱۳۷۵ ش، مردم، دولت‌ها، هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۵. تنهایی، ابوالحسن، ۱۳۷۴، درآمدی بر مکتب و نظریه‌های جامعه شناسی، گناباد: انتشارات مرنديز.
۶. جواهری، محمدرضا، ۱۳۸۰ ش، نظارت از دیدگاه امیرمؤمنان امام علی علیه السلام، قم: انتشارات امام محمد باقر علیه السلام.
۷. خمینی رحمته الله، سید روح الله، ۱۳۷۶ ش، شرح چهل حدیث، چاپ ۱۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله.
۸. دشتی، محمد، ۱۳۹۳ ش، ترجمه: نهج البلاغه، قم: اجود.
۹. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۷۷ ش، حکومت حکمت، تهران: خانه اندیشه جوان.
۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۸۵ ش، طایر فرخ پی کمالات انسانی در نهج البلاغه، قم: دفتر نشر معارف.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۵ ش، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. رشاد، علی اکبر، ۱۳۸۵، دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۱۰، چاپ سوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۳. زنجانی، حبیب الله، ۱۳۷۱ ش، جمعیت و توسعه، تهران: مرکز مطالعات شهرسازی و معماری.
۱۴. شهیدی، سید جعفر، ۱۳۹۲ ش، ترجمه نهج البلاغه، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۳ ش، درس‌هایی از نظام دفاعی اسلام، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



۱۶. علیخانی، علی اکبر، ۱۳۸۱ش، *توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی علیه السلام*، ج ۲، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۷. فضلعلی، نبی الله، ۱۳۹۳ش، *پژوهشی در شایسته سالاری کارگزاران حکومت امام علی علیه السلام*، تهران: دفتر نشر معارف.
۱۸. فیض الاسلام، سید علی نقی، ۱۳۶۵ش، *ترجمه نهج البلاغه*، تهران: چاپخانه سپهر.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۹ش، *الروضة من الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری، ج ۸، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. کوئن بروس، ۱۳۷۲ش، *مبانی جامعه شناسی*، ترجمه: غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
۲۱. گل محمدی، احمد، ۱۳۸۱ش، *جهانی شدن، فرهنگ، هویت*، تهران: نشر نی.
۲۲. گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۱ش، *جامعه شناسی پیش در آمدی انتقادی*، ترجمه: ابوطالب فنایی، شیراز: دانشگاه شیراز.
۲۳. محقق خوانساری، سید جمال الدین، ۱۳۸۵ش، *شرح بر غرر الحکم و درر الکلم علی علیه السلام*، تهران: دانشگاه تهران، جلد ۴، ۵ و ۶.
۲۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲ش (الف)، *سیری در نهج البلاغه*، تهران: صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲ش (ب)، *سیری در سیره ائمه اطهار*، تهران: انتشارات صدرا.
۲۶. معارف، مجید، شریعتی نیاسر، حامد، ۱۳۹۵ش، *ارتباط نهج البلاغه با قرآن*، چاپ اول، تهران: سمت.
۲۷. واتقی، قاسم، ۱۳۸۰ش، *تدابیر و سیره عملی امام علی علیه السلام در تامین امنیت اجتماعی*، سینه سرخ، تهران.

#### مقالات

۲۸. احمدیان شیاده، حسین، ۱۳۹۶ش، *حاشیه نشینی و تاثیر آن بر امنیت اجتماعی شهر بابل (مطالعه موردی: جوکی محله، سیاه تلی، چنگیزخانی)*، *دومین همایش بین المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی*، دانشگاه تهران، ص ۱-۲۵.



۲۹. احمدی، سید محمد رضا، تکاوران، سامان، تکاوران، طیبه، تکاوران، اکرم و بهادران، امین، ۱۳۹۴ش، تهاجم فرهنگی و شیوه‌های مقابله با آن، *کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی*، ص ۷-۱.
۳۰. افتخاری، اصغر، ۱۳۷۸ش، ظرفیت طبیعی امنیت، *فصلنامه مطالعات راهبردی ویژه خشونت و جمعیت*، شماره ۵ و ۶، ص ۲۵-۶۲.
۳۱. بال، زهره، پیشگاه هادیان، حمید، ۱۴۰۰ش، واکاوی هویت در برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی از منظر امنیت اجتماعی، *رهیافت انقلاب اسلامی*، سال ۱۵، شماره ۵۴، ص ۳۲۳-۳۴۴.
۳۲. جلیوند، محسن، هاشمی، راضیه، ۱۴۰۱ش، امنیت اجتماعی در آراء امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، *مطالعات منافع ملی*، سال ۹، شماره ۲۹، ص ۱۴۹-۱۷۲.
۳۳. جهان بین، داریوش، ۱۳۸۲ش، نقش رسانه‌ها در کنترل امنیت اجتماعی، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۶۷، شماره ۴۳، ص ۹۳-۱۱۹.
۳۴. حکیمی، محمد، خلیلی، رضا، ۱۳۸۳ش، تحول تاریخی گفتمان مفهوم امنیت، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، پژوهشکده مطالعات راهبردی، دوره ۷، شماره ۲۳، ص ۷-۲۹.
۳۵. خلیلی دهدزی، افشین، کیانی قلعه سردی، فریدون، ۱۳۹۴ش، جایگاه امر به معروف نهی از منکر در اسلام و قرآن و تاثیر آن بر زندگی، *اولین کنفرانس بین المللی علوم اجتماعی و جامعه شناسی*، ص ۱-۶.
۳۶. دری نجف آبادی، قربانعلی، ۱۳۷۹ش، نگاهی به امنیت از منظر امیرمؤمنان علیه السلام، *مجله حکومت اسلامی*، شماره ۱۸، ص ۱-۱۹.
۳۷. رجیبی، هادی، عبدی، خدا کرم، ۱۳۹۸ش، شاخص های امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم، *بصیرت و تربیت اسلامی*، سال ۱۶، شماره ۵۰، ص ۶۹-۹۳.
۳۸. رزازی فر، افسر، ۱۳۷۹ش، الگوی جامعه شناختی هویت ملی در ایران، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال ۲، شماره ۵، ص ۱۰۱-۱۳۳.
۳۹. زرگر، علیرضا، پازوکیان، اسدالله، ۱۳۹۸ش، واکاوی و تحلیل امنیت و مؤلفه‌های آن در فقه سیاسی اسلام، *امنیت پژوهی*، سال ۱۸، شماره ۶۵، ص ۹۷-۱۲۹.



۴۰. ساوه درودی، مصطفی، قادری، هاشم و انصاری فرد، حسین، ۱۴۰۱ش، الگوی امنیت اجتماعی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، *فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، سال ۱۰، شماره ۲ (پیاپی ۲۲)، ص ۳۷-۶۳.
۴۱. شایگان، فریبا، ۱۳۹۲ش، تهدیدهای امنیت اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری، *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، دوره ۳، شماره ۲، ص ۲۷۱-۲۴۵.
۴۲. شیخاوندی، داور، ۱۳۷۸ش، نروز، نماد همبستگی ملی اقوام ایران، *مطالعات ملی*، شماره ۲ و ۳، ص ۱۵۰-۱۶۲.
۴۳. قاسمی اردهایی، علی، نوبخت، رضا، ۱۳۹۴ش، حاشیه نشینی و احساس امنیت: مطالعه جوانان حاشیه نشین شهر تبریز، *فصلنامه جمعیت*، سال ۲۲، شماره ۹۱ و ۹۲، ص ۳۷-۵۶.
۴۴. کاکاوند، یونس، نوری، علی، ناصری، الهام، ۱۳۹۸ش، تبیین رابطه بین هویت ملی و احساس امنیت اجتماعی در شهر کرمانشاه، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، شماره ۵۹، ص ۱۳۱-۱۵۵.
۴۵. کریمایی، امیر اعظم، ۱۳۸۴ش، تأملی در شناخت امنیت اجتماعی، *فصلنامه دانش انتظامی*، سال ۷، شماره ۴، ص ۱۳۹-۱۶۲.
۴۶. کلمنتس، کوین، قاسمی، محمد علی، ۱۳۸۴ش، به سوی جامعه شناسی امنیت، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره ۸، شماره ۲۸، ص ۲۸۱-۳۱۰.
۴۷. مقدس، حسین، زارعی، زهره، ۱۴۰۰ش، تهاجم فرهنگی و راهبردهای کلان مقابله با آن در بیانات رهبر معظم انقلاب (مدّ ظله العالی)، *مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش بین‌المللی تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث*، ص ۲۹-۴۴.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۵ش، *پیام امام‌المکرم*، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۴۹. منظمی تبار، جواد، ۱۴۰۰ش، تحلیل مفاهیم امنیت و پلیس از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدّ ظله العالی)، *فصلنامه مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری*، سال سیزدهم، دوره جدید، شماره ۴، ص ۷۹-۵۳.
۵۰. نبوی، سید عبدالحسین، حسین زاده، علی حسین و حسینی، سیده هاجر، ۱۳۸۹ش، بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر احساس امنیت اجتماعی، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۱، شماره ۴، ص ۷۳-۹۶.

۵۱. نویدنیا، منیژه، ۱۳۸۲ش، درآمدی بر امنیت اجتماعی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۱۹، ص ۵۵-۷۹.
۵۲. ورجاوند، پرویز، ۱۳۷۵ش، *آیین‌های ملی: عامل حفظ وحدت ملی*، گزارش سال ۷، ص ۷۳-۷۴.
۵۳. بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت گرامیداشت هفته انتظامی در سال ۱۳۷۶
۵۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۰/۰۹/۲۰
۵۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نویسندگان، صاحب نظران و کارکنان رسانه‌های گروهی، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱
۵۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۲/۰۴/۰۷
۵۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۲/۰۶/۱۹
۵۸. بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۳/۰۷/۱۵
۵۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۸۶/۰۵/۲۸
۶۰. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم هجدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۶/۰۳/۱۴.